



## Evaluating Clinical Competency of Nursing Instructors of Different Levels from Students' Point of View

Javad dehghannezhad<sup>1\*</sup>, Mojgan Lotfi<sup>1</sup>, Sousan Valizadeh<sup>1</sup>, Abbas Dadashzadeh<sup>1</sup>, Mostafa bafandeh zandeh<sup>2</sup>

<sup>1</sup>Nursing and Midwifery Faculty, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran

<sup>2</sup>Nursing and Midwifery Faculty, Urmia University of Medical Sciences, Urmia, Iran

\*Corresponding Author: Mostafa Bafandeh Zandeh, Nursing and Midwifery Faculty, Urmia University Of Medical Sciences, Urmia, Iran E-Mail: [Bafandehzandeh@gmail.com](mailto:Bafandehzandeh@gmail.com)

### Article Info

**Keywords:** Clinical competency, Nursing instructors, Nursing students

### Abstract

**Introduction:** Clinical education constitutes a major share of nursing education and clinical competence of instructors is a key factor in offering proper knowledge, skills and attitude to students. The diversity in competence level of instructors and absence of the same educational approaches, have led to a dependence of education on individual abilities of the instructors. As a result, evaluating the clinical competency of the instructors seems to be necessary.

**Methods:** This descriptive study was carried out on 165 nursing and surgical technology students. The tool for data collection was a two-part questionnaire consisting of demographic information and clinical competency attributes, covering five areas including personal characteristics, interpersonal relationships, educational skills, clinical evaluation and management competency. Range of scores was zero to six, and SPSS software was used for data analysis.

**Results:** The results revealed that the mean age of students was  $21 \pm 5.9$ . The mean total score for clinical competencies was  $(5.1 \pm 1.1)$  for Ph.D. instructors,  $(4.7 \pm 1.1)$  for PhD students,  $(4.48 \pm 1.2)$  for trainers and  $(1.3 \pm 4.41)$  for hospital personnel. 64.5% of the students preferred to be taught by a Ph.D. regarding clinical competence, the highest score was for personal characteristics and the lowest score for clinical evaluation and management competency.

**Conclusion:** According to our findings, Ph.D. faculty members of the nursing school have a better clinical competence compared to other instructors, and increasing clinic-based instructors can improve the quality of clinical education. Moreover, planning for clinical evaluation and developing management.

## بررسی صلاحیت بالینی مدرسین سطوح مختلف پرستاری از دیدگاه دانشجویان

جواد دهقان نژاد<sup>۱</sup>، مژگان لطفی<sup>۱</sup>، سوسن ولی زاده<sup>۱</sup>، عباس دادش زاده<sup>۱</sup>، مصطفی بافنده زنده<sup>۲\*</sup>

<sup>۱</sup> دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران

<sup>۲</sup> دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران

\*نویسنده مسوول: مصطفی بافنده زنده. دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، ارومیه، ایران. ایمیل: bafandehzende@gmail.com

### چکیده

**مقدمه:** آموزش بالینی، بخش اعظم آموزش های پرستاری را شکل می دهد و داشتن صلاحیت بالینی مدرسین، عامل مهم در انتقال دانش، مهارت و نگرش به دانشجویان است. تنوع سطوح مربیان و نبود روش آموزشی بالینی یکسان باعث شده هر مربی بر اساس توانمندی خود عمل کند لذا بررسی صلاحیت بالینی مدرسین ضروری به نظر می رسد.

**روش ها:** این مطالعه توصیفی بر روی ۱۶۵ دانشجوی پرستاری و اتاق عمل انجام گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه ای دویبخشی شامل اطلاعات دموگرافیک و ویژگی های صلاحیت بالینی بود که در پنج حیطه شامل ویژگی های فردی، روابط بین فردی، مهارت های آموزشی، ارزشیابی بالینی و قدرت مدیریتی طراحی شده بود. دامنه امتیاز از صفر تا شش بود و جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPAS استفاده شد.

**یافته ها:** یافته ها نشان داد میانگین سنی دانشجویان  $21 \pm 5.9$  بود. میانگین کل نمره کسب شده برای صلاحیت بالینی اساتید دکتری پرستاری  $(5.1 \pm 1.1)$ ، دانشجویان دکتری  $(4.7 \pm 1.1)$ ، مربیان  $(4.48 \pm 1.2)$  و همکار بیمارستانی  $(4.41 \pm 1.3)$  بود. و  $64.5\%$  از دانشجویان داشتن مدرس بالینی در سطح دکتری را ترجیح می دهند. در حیطه صلاحیت بالینی بیشترین امتیاز مربوط به ویژگی های فردی و کمترین امتیاز در نحوه ارزشیابی بالینی و قدرت مدیریتی بود.

**نتیجه گیری:** اساتید دکتری پرستاری از نظر دانشجویان نسبت به بقیه مدرسان از صلاحیت بالینی بهتری برخوردار هستند و افزایش مدرسان دکتری مستقر در بالین می تواند در بهبود آموزش بالینی مؤثر باشد. همچنین برنامه ریزی در مورد نحوه ارزشیابی بالینی یکسان و افزایش قدرت مدیریتی، باعث ارتقای صلاحیت بالینی مدرسین می شود.

**واژگان کلیدی:** صلاحیت بالینی، مدرسین پرستاری، دانشجویان پرستاری

بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که حتی دانشجویان آگاه و بااطلاع نیز بر بالین بیمار دچار سرگستگی می‌شوند و نمی‌توانند مستقل عمل کنند و مسئولیت مراقبت از بیمار را بر عهده بگیرند [۲۱]. نتیجه این مشکلات به خطر افتادن امنیت بیمار است و به نظر می‌رسد به دلایل متعدد میزان دستیابی به صلاحیت‌های حرفه‌ای توسط دانشجویان کافی نمی‌باشد [۲۲]. یکی از این دلایل مؤثر در صلاحیت حرفه‌ای دانشجویان، توانمندی مدرسان بالینی پرستاری می‌باشد. در سیستم آموزشی ایران مربیان بالینی مسئول اصلی آموزش بالینی دانشجویان پرستاری در مقطع کارورزی هستند مربیان بیشتر دارای مدارک دانشگاهی لیسانس و فوق لیسانس هستند که به صورت عضو هیئت علمی و یا کارشناس بالینی بیمارستانی در امر آموزش بالینی همکاری می‌کنند (۲۲). آن‌ها مسئول چگونگی به کارگیری مطالب تئوری در عملکرد بالینی، کسب تجارب بالینی و رشد حرفه‌ای آنان می‌باشد [۲۳] و همچنین مسئول ایجاد حس استقلال و تصمیم‌گیری و افزایش قدرت ابتکار در فراگیران در عرصه‌های مختلف هستند که با داشتن صلاحیت و توانمندی بالینی است که می‌توان این مسئولیت‌ها را به خوبی انجام داد [۲۱]. با افزایش میزان فارغ التحصیلان دکتری پرستاری و اعضای هیئت علمی در این مقطع انتظارات از کیفیت آموزش بالینی افزایش یافته و صلاحیت بالینی مدرسین در ایجاد تلفیق آموزش تئوری و عملکرد بالینی و نیز کسب اعتمادبه‌نفس دانشجویان در جهت ارائه مراقبت ایمن از بیماران ضروری به نظر می‌رسد و تنوع سطوح مختلف مدرسین بالینی و نبود روش آموزشی بالینی یکسان باعث شده هرکدام از مدرسین بر اساس سلاقی خاص خود برای آموزش بالینی بپردازند و بررسی نقاط ضعف و قوت آموزش بالینی می‌تواند مشکلات موجود در آن را واکاوی کرده و با برنامه‌ریزی‌های دقیق می‌توان به بهبود شرایط کمک کرد لذا با توجه به این مسائل و همچنین به خاطر اینکه پژوهشی در مورد صلاحیت بالینی سطوح مختلف پرستاری انجام نشده است لذا برآن شدیم که به بررسی صلاحیت بالینی مدرسین سطوح مختلف پرستاری از دیدگاه دانشجویان بپردازیم.

### روش

این یک مطالعه توصیفی - مقطعی است که در سال ۱۳۹۶ در دانشکده پرستاری و مامایی تبریز انجام گردید؛ و جامعه هدف در این پژوهش دانشجویان پرستاری و اتاق عمل بودند. معیارهای ورود شامل: دانشجویان ترم دو تا هشت پرستاری و اتاق عمل، دانشجویانی که با مدرسین پرستاری سابقه کار بالینی داشتند و تمایل به شرکت در پژوهش بودند. معیارهای خروج شامل: افراد دچار مشکلات جسمی یا روانی و افرادی که هیچ کار بالینی با

پرستاری حرفه‌ای بالینی بوده و آموزش بالینی، بخش اعظم آموزش‌های این رشته را شکل می‌دهد [۱]. مدرسین بالینی از جمله مؤثرترین افراد در انتقال دانش، مهارت و نگرش به دانشجویان و آموزش بالینی می‌باشند [۲]. به همین دلیل، توجه محققان پرستاری به این مقوله جلب شده و مدرسین بالینی را، اساسی‌ترین عامل تضمین‌کننده کیفیت آموزش بالینی برشمرده‌اند که برای انجام مؤثر نقش خود نیازمند صلاحیت و شایستگی‌های لازم می‌باشند [۳-۵]. صلاحیت بالینی مدرسین در سالهای اخیر بیش از پیش احساس می‌شود زیرا سازمان‌های ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی به دلیل افزایش آگاهی و انتظار جامعه در مورد دریافت خدمات باکیفیت مناسب، ناگزیر به افزایش اثربخشی منابع انسانی خود هستند [۶]. واژه صلاحیت (Competency) یک واژه بسیار مشهور و کاربردی است. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران حوزه آموزش پرستاری، تربیت مبتنی بر شایستگی مبنا و فلسفه آموزش پرستاری محسوب می‌شود [۷]. اگر این نقش در آموزش پرستاری یعنی آموزش مبتنی بر شایستگی<sup>۱</sup> (CBE) را به صورت محوری و مبنایی بپذیریم، بر این اساس تشریح مفهوم و ابعاد شایستگی نیز از اهمیت اساسی برخوردار می‌گردد [۸]. به طور کلی می‌توان گفت که ابعاد شایستگی در پرستاری معطوف به حیطه‌های دانش [۹]، مهارت [۱۰]، نگرش [۱۱]، ارتباطات [۸]، مدیریت [۱۲]، انگیزه [۱۳]، آموزش [۱۴]، فرهنگ [۱۵]، اخلاق، معنویت [۱۶]، تحقیق [۱۷] و فن‌آوری اطلاعات و کار با دستگاه‌ها می‌شود و توانمندی بالینی مدرسین در حیطه‌های مذکور باعث تربیت دانشجویان با شایستگی‌های بالا خواهد شد [۱۸]. در بررسی حیطه‌های صلاحیت بالینی مدرسین پرستاری پژوهش‌هایی انجام گرفته که در تحقیق کیفی جوزی و همکاران حیطه‌های مشخص شده صلاحیت‌های مربیان بالینی در ۵ درون‌مایه و ۱۲ طبقه پدیدار شد که شامل ویژگی‌های شخصیتی (نحوه برخورد، انتقادپذیری، نگرش حرفه‌ای)، ارتباطات حرفه‌ای (نقش تعدیل‌کنندگی، رعایت اصول اخلاقی و ارتباط چندبعدی)، آموزش حرفه‌ای (توانمندی در به کارگیری روش‌های آموزشی اثربخش، مهارت در به کارگیری دانش)، قدرت مدیریتی (توانمندی در نظارت و سرپرستی دانشجویان) و توانمندی در ارزشیابی بالینی) مهارت در تبیین معیارهای عینی ارزشیابی و توانمندی در به کارگیری ارزشیابی مشارکتی دانشجویان است که عدم توانمندی مدرسین بالینی در این حیطه‌ها باعث مشکلات در یادگیری دانشجویان در بالین می‌شود [۱۹]. در بررسی صلاحیت بالینی دانشجویان چالش‌های زیادی وجود دارد و مطالعه پارسا یکتا و همکارانشان نشان داد میزان دستیابی دانشجویان سال آخر پرستاری به صلاحیت‌های بالینی متوسط و ضعیف است [۲۰]. در

<sup>1</sup> Competency Based Education, CBE

داده‌ها، پس از توضیح به دانشجویان در خصوص هدف تحقیق و کسب رضایت آن‌ها، پرسشنامه در اختیار دانشجویان پرستاری و اتاق عمل واجد شرایط قرار گرفت و پس از تکمیل به پژوهشگر برگشت داده شد. تعداد پرسشنامه‌های برگشتی ۱۶۵ عدد بود. داده‌های به‌دست‌آمده با روش‌های آمار توصیفی، تجزیه و تحلیل شد و از آزمون t مستقل برای مقایسه گروه‌های مدرسین پرستاری بین دانشجویان پرستاری و اتاق عمل در صلاحیت بالینی استفاده شد ابتدا نرمال‌یته داده‌ها بررسی شد و آزمون شاپروف هم نشان داد که داده‌ها دارای توزیع نرمال می‌باشند و جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss استفاده گردید.

### نتایج

در این مطالعه نظرات تعداد ۱۶۵ نفر از دانشجویان مورد تحلیل قرار گرفت که میانگین سنی دانشجویان  $21 \pm 5.9$  بود. درصد دانشجویان کارشناسی ارشد  $10.9\%$  و کارشناسی  $89.1\%$  بود که از این تعداد  $86\%$  پرستاری و  $14\%$  اتاق عمل بودند و همچنین  $42.6\%$  مؤنث و  $57.4\%$  مذکر بودند. میانگین کل امتیاز کسب‌شده برای صلاحیت بالینی از نظر دانشجویان برای مدرسین دکتری پرستاری ( $5.1 \pm 1.1$ )، دانشجویان دکتری پرستاری ( $1.1 \pm 1.1$ )، مربی کارشناس و کارشناسی ارشد ( $4.48 \pm 1.2$ ) و مربی همکار بیمارستانی ( $4.41 \pm 1.3$ ) بود. در این مطالعه میانگین امتیاز کسب‌شده برای هریک از سطوح مربیان مشخص گردید. طبق این نتایج مدرسین دکتری بیشترین امتیاز را در داشتن ویژگی‌های فردی و کمترین امتیاز را در نحوه ارزشیابی بالینی کسب کرده بودند. در مورد مدرسینی که کارشناس و یا کارشناس ارشد بودند و به‌عنوان مربی بالینی مشغول به خدمت بودند. طبق این نتایج بیشترین امتیاز را در داشتن ویژگی‌های فردی و کمترین امتیاز را در قدرت مدیریت کسب کرده بودند. در مورد مربیانی که به‌عنوان همکار بیمارستانی مشغول آموزش بالینی بودند بیشترین امتیاز را در داشتن ویژگی‌های فردی و کمترین امتیاز را در قدرت مدیریتی و ارزشیابی بالینی کسب کرده بودند. (جدول شماره ۱).

مدرسین نداشتند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه دوقسمتی استفاده شد. قسمت اول مشخصات فردی-اجتماعی پرستاران، شامل سن، جنس، وضعیت تاهل و سایر مشخصات دموگرافیک بود و قسمت دوم عبارات مربوط به ویژگی‌های مربی بالینی بود که در پنج حیطه زیر موردبررسی قرار گرفت. ویژگی فردی: مانند احترام به دانشجو، علاقه‌مند بودن، صرف وقت، ظاهر مرتب، بیان خوب و تجربه کافی (۶ سؤال). روابط بین فردی: مانند توجه به ارتباط با بیمار، ارائه بازخورد، توجه به رابطه دانشجو با پرسنل، داشتن نقش مشاوره (۵ سؤال). مهارت‌های آموزشی: مانند تبحر لازم در انجام کارهای بالینی، انتقال تجربیات، ارائه اهداف آموزشی، توان پاسخگویی به سؤالات دانشجویان (۹ سؤال). ارزشیابی بالینی: مانند مشخص کردن شیوه ارزشیابی در آغاز کارآموزی، رعایت عدالت، ارزشیابی دانشجویان طبق روش ذکرشده (۳ سؤال). قدرت مدیریتی: مانند توانمندی نظارت، قدرت تصمیم‌گیری، توانایی ایجاد تغییر، تلاش جهت رفع مشکلات کمی و کیفی محیط کارآموزی (۷ سؤال). دانشجویان درجه موافقت خود را با هر یک از عبارات پرسشنامه که با شش امتیاز کاملاً موافق تا کاملاً مخالف مشخص شده بود اعلام کردند. به گزینه کاملاً موافقم امتیاز ۶ و به گزینه کاملاً مخالف امتیاز صفر داده شد. سپس بر اساس نظرات دانشجویان امتیاز هر ویژگی محاسبه و میانگین آن‌ها استخراج گردید. روایی و پایایی ابزار در مطالعه توکلی و همکاران انجام‌شده بود [۲۴]. ولی با افزودن یک ویژگی دیگر (قدرت مدیریت) به این پرسشنامه طبق مطالعه کیفی جوزی و همکاران پرسشنامه تکمیل شد [۱۹]. روایی محتوا توسط پنج نفر از صاحب‌نظران دانشکده پرستاری و مامایی تبریز انجام گردید و پایایی پرسشنامه نیز با روش آزمون مجدد انجام گرفت. ضریب همبستگی دو آزمون  $0.79/2 = r$  و در حد قابل قبول بود. جهت تعیین حجم نمونه آماری از فرمول کوکران استفاده شد که برای حجم نمونه برای جامعه محدود از فرمول  $n = \frac{Nz^2pq}{Nd^2+z^2pq}$  استفاده که با جامعه آماری ۴۰۰ و با سطح خطای ۵ درصد تعداد نمونه ۱۹۵ نفر محاسبه شد و با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی‌شده با در نظر گرفتن نسبت هر طبقه با جامعه آماری نمونه‌ها انتخاب شدند. برای گردآوری

جدول شماره ۱: میانگین نمرات کسب‌شده در حیطه‌های صلاحیت بالینی در مدرسین سطوح مختلف پرستاری

آیتم‌های صلاحیت بالینی	اساتید دکتری	مربیان بالینی	دانشجویان دکتری	همکار بیمارستانی
ویژگی‌های فردی	$5.3 \pm 1.1$	$4.7 \pm 1.7$	$4.8 \pm 1.2$	$4.5 \pm 1.2$
مهارت‌های آموزشی	$5.2 \pm 1.1$	$4.4 \pm 1.1$	$4.7 \pm 1.1$	$4.3 \pm 1.5$
روابط بین فردی	$5.1 \pm 1.5$	$4.7 \pm 1.3$	$4.5 \pm 1.2$	$4.4 \pm 1.7$
قدرت مدیریتی	$5.1 \pm 1.2$	$4.3 \pm 1.1$	$4.4 \pm 1.3$	$4.1 \pm 1.5$
ارزشیابی بالینی	$4.8 \pm 1.1$	$4.3 \pm 1.9$	$4.7 \pm 2.6$	$4.2 \pm 2.1$
میانگین کلی	$5.1 \pm 1.1$	$4.48 \pm 1.2$	$4.7 \pm 1.1$	$4.41 \pm 1.3$

x = بیشترین امتیاز \* = کمترین امتیاز

مدرسين دانشجويان دکتری پرستاری ( $P=0.5$ )، مربيان باليني ( $P=0.7$ ) و همکار بيمارستاني ( $P=0.9$ ) تفاوت معنی داری وجود نداشت. همچنين در مقايسه نظر دانشجويان پرستاری و اتاق عمل برای صلاحيت باليني با توجه به آزمون تی تست مشخص شد که در هيچ یک از سطوح مدرسين از جمله اساتيد دکتری ( $P=0.06$ ) (دانشجويان دکتری پرستاری ( $P=0.1$ ))، مربيان باليني ( $P=0.1$ ) و همکار بيمارستاني ( $P=0.8$ ) به لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود ندارد.

در بررسی نظر دانشجويان کارشناسی و کارشناسی ارشد برای صلاحيت باليني اساتيد دکتری با توجه به آزمون تی تست مشخص شد که بين میانگين امتياز دانشجويان کارشناسی و دانشجويان کارشناسی ارشد به لحاظ آماری تفاوت معنی داری وجود دارد و دانشجويان کارشناسی ارشد نسبت به دانشجويان کارشناسی امتياز پايين تری به صلاحيت باليني اساتيد داده اند (جدول شماره ۲). ولی در مقايسه ساير سطوح، در بين دانشجويان کارشناسی و کارشناسی ارشد به لحاظ آماری در صلاحيت باليني

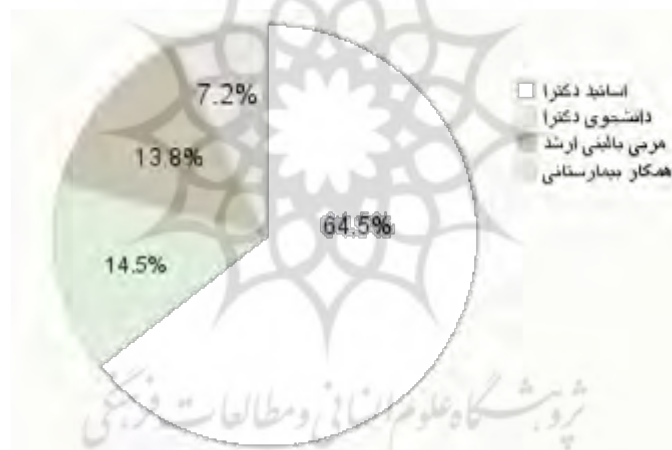
جدول ۲: آزمون تی برای مقايسه دانشجويان کارشناسی و کارشناسی ارشد در امتياز کسب شده برای صلاحيت باليني اساتيد دکتری

دانشجويان	میانگين	انحراف معيار	t	df	P
کارشناسی	۵.۱	۰.۸	۲.۶	۱۳۲	۰.۰۰۹
کارشناسی ارشد	۴.۵۱	۱.۱			

باشند که اکثر دانشجويان کارورزی باليني با اساتيد دکتری را ترجيح داده بودند. (شکل شماره ۱)

همچنين در اين مطالعه از دانشجويان در مورد اينکه ترجيح می دهند با کدامیک از سطوح مختلف پرستاری آموزش باليني داشته

شکل شماره ۱. اولويت مدارس باليني از نظر دانشجويان



باليني در سطوح مختلف در اين حيطه صلاحيت لازم را دارند. مطالعه هادی زاده و همکاران در سال ۱۳۸۴ نشان داد که ۴۱ درصد دانشجويان، ارزیابی باليني مدرسين را بد بيان کرده بودند و درزمينه مشکلات مربيان در ارزشیابی باليني، دانشجويان پرستاری بيشترين مشکل را مربوط به مرتبط نبودن فرم ارزشیابی باليني با موقعيت های کارورزی، عدم تناسب وسايل و امکانات موجود در بخش برای تمرين دانشجويان می دانند [۲۴] که با یافته های اين مطالعه که اکثر مدرسين سطوح پرستاری کمترین امتياز را در نحوه ارزشیابی باليني کسب کرده بودند هم خوانی دارد و توجه به يکسان سازی ارزشیابی باليني در بين تمام مدرسين باليني ضروری به نظر می رسد. مطالعه ذوالفقاری و همکارانش نشان داد که یکی از چالش هایی که در آموزش باليني دانشجويان کارشناسی ارشد وجود دارد عدم وجود مربی باصلاحيت در حدی که بتواند به خوبی نیازهای آموزشی دانشجويان کارشناسی ارشد را برآورده کند [۲۶] که با یافته های

نتايج اين پژوهش نشان داد که اکثر دانشجويان صلاحيت باليني سطوح مختلف پرستاری را در سطح متوسط به بالا ارزیابی کرده بودند و اساتيد دکتری بيشترين امتياز و همکار بيمارستاني کمترین امتياز را کسب کرده بودند. همچنين یافته ها نشان داد که اکثر مدرسين در حيطه ویژگی های فردی نمره بالاتر و در حيطه ارزشیابی و قدرت مدیریتی نمره کمتر را کسب کرده بودند. مطالعه توکلی و همکاران در سال ۱۳۸۷ نشان داد که دانشجويان از بين ویژگی های مربی باليني، بالاترین درجه را به ویژگی فردی (شخصیتی) اختصاص داده بودند [۲۵] که با نتايج به دست آمده از اين مطالعه که دانشجويان به حيطه ویژگی های فردی مدرسين نمرات خوبی داده بودند هم خوانی دارد و اين نشانگر آن است که مدرسين درمسائلی چون احترام به دانشجو، علاقه مند بودن، صرف وقت، ظاهر مرتب، بيان خوب و داشتن تجربه کافی از شايستگی خوبی برخوردار هستند و به نظر می رسد که مدرسين

### نتیجه گیری

اساتید دکتری از صلاحیت بالینی بهتری نسبت به بقیه برخوردار بودند و داشتن مربی بالینی با سطح تحصیلات دکتری در بالین از اولویتهای دانشجویان می باشد و به نظر می رسد افزایش مدرسان مستقر در بالین می تواند در بهبود آموزش بالینی مؤثر باشد. نحوه ارزشیابی بالینی یکسان و افزایش قدرت مدیریتی سطوح مختلف مدرسین پرستاری باعث ارتقای صلاحیت بالینی آن ها می گردد.

### ملاحظات اخلاقی

برای اجرای پرسشنامه ها توضیحات کامل در مورد پرسشنامه و هدف پژوهش داده شده و رضایت دانشجویان برای شرکت در پژوهش به دست آمده است. همچنین این پژوهش به شماره (۳۸۸۱۸۰/۹۸) زیر نظر اساتید دانشکده پرستاری و مامایی تبریز به عنوان تکلیف دانشجویی انجام گرفت.

### سپاسگزاری

از تمامی اساتید و دانشجویان دانشکده پرستاری و مامایی تبریز که در این پژوهش شرکت داشتند سپاسگزارم.

### تضاد منافع

نتایج پژوهش پیش رو با منافع هیچ ارگان و سازمانی در تعارض نیست.

### حمایت مالی

این پژوهش حاصل یک کار دانشجویی بوده و از طرف هیچ ارگانی حمایت مالی نشده است.

به دست آمده از این مطالعه در مقایسه ی بین دانشجویان کارشناسی و کارشناسی ارشد برای صلاحیت بالینی اساتید دکتری هم خوانی دارد و در بررسی این مقایسه مشخص شد که دانشجویان کارشناسی ارشد نمرات کمتری را نسبت به دانشجویان کارشناسی به اساتید دکتری داده اند و این نشان می دهد که دانشجویان کارشناسی ارشد انتظارات بیشتری از نظر صلاحیت بالینی نسبت به اساتید دکتری دارند و توقع دارند که اساتید در بالین آنچه برای دانشجویان کارشناسی ارائه می دهند برای دانشجویان کارشناسی ارشد در سطح بالاتری ارائه دهند و به نظر می رسد در آموزش بالینی برای دانشجویان کارشناسی ارشد برنامه ریزی های مؤثرتری باید انجام گیرد. مطالعه حسن غلامی و همکاران نشان داد که یکی از موانع آموزش بالینی نبود قدرت تصمیم گیری مربیان بالینی به طور مستقل در مورد انجام مهارت های تکنیکی می باشد [۲۷] که با یافته های این مطالعه اینکه مدرسین سطوح مختلف پرستاری امتیازی کمتری را در حیطه مدیریتی نسبت به سایر ویژگی ها کسب کرده اند هم خوانی دارد؛ بنابراین بهتر است جهت افزایش قدرت مدیریتی مدرسین بالینی تمهیدات لازم اندیشیده شود. در طول انجام پژوهش مشکلات عمده ای وجود نداشت ولی از محدودیت های پژوهش اینکه، در این مطالعه فقط از دیدگاه ها و نظرات دانشجویان استفاده شد و نقطه نظرات سایر کادر درمانی مثل مدیران پرستاری و پرستاران لحاظ نگردید. لذا پیشنهاد می گردد یک مطالعه با ابعاد بزرگ تر و با مشارکت پرستاران و سایر کادر درمانی انجام گیرد تا ابعاد این موضوع بیشتر نمایان شود تا گامی مؤثر در جهت بهبود صلاحیت بالینی در تمام سطوح مدرسین پرستاری برداشته شود.

## References

- Pollard C, Ellis L, Stringer E, Cockayne D. Clinical education: a review of the literature. *Nurse Education in Practice*. 2007;7(5): 22 -315.
- Sahebzamani M, Salahshooran Fard A, Akbarzadeh A, Mohammadian R. Comparison the viewpoint of nursing students and their trainers regarding preventing and facilitating factors of effective clinical teaching in Islamic Azad University, Marageh Branch. *Medical Science Journal of Islamic Azad University- Tehran Medical Branch*. 2011;21(1):43-38
- Heshmati-Nabavi F, Vanaki Z. Professional approach: The key feature of effective clinical educator in Iran. *Nurse Education Today*. 2010;30(2):8-168
- de Guzman AB, Ormita MJM, Palad CMC, Panganiban JK, Pestaño HO, Pristin MWP. Filipino nursing students' views of their clinical instructors' credibility. *Nurse education today*. 2007;27(6):33-529
- Nazari, R. et al. "Stressor agents in clinical education of nursing students in Amol nursing and midwifery faculty." (2007): 45-50.
- Nesami M, Rafiee F, Parvizi S, Esmaeili R. Concept analysis of competency in nursing: Qualitative research. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*. 2008;18(67):42-35
- Arcand LL, Neumann JA. Nursing competency assessment across the continuum of care. *The Journal of Continuing Education in Nursing*. 2005;36(6):54-247
- Lofmark A, Smide B, Wikblad K. Competence of newly graduated nurses—a comparison of the perceptions of qualified nurses and students. *Journal of Advanced Nursing*. 2006;53(6):8,-721
- Alexander MF, Runciman PJ. ICN framework of competencies for the generalist nurse: Report of the development process and consultation. *International Council of Nurses*; 2003 .
- Whelan L. Competency assessment of nursing staff. *Orthopedic Nursing*. 2006 May 1; 25(3):198 11 Issel LM, Baldwin KA, Lyons RL, Madamala K. Self Reported Competency of Public Health Nurses and Faculty in Illinois. *Public Health Nursing* 2006;23(2):77,-168

12. Landmark BT, Hansen GS, BJones I, Buhler A. Clinical supervision—factors defined by nurses as influential upon the development of competence and skills in supervision. *Journal of Clinical Nursing*. 2003 Nov; 12(6):834-41.
13. Khomeiran RT, Yekta ZP, Kiger AM, Ahmadi F. Professional competence: factors described by nurses as influencing their development. *International Nursing Review*. 2006 Mar; 53(1):66-72 .
14. Pearson A, FitzGerald M, Walsh K. Nurses' views on competency indicators for Australian nursing. *Collegian*. 2002 Jan 1; 9(1):36-40.
15. Sealey LJ, Burnett M, Johnson G. Cultural competence of baccalaureate nursing faculty: are we up to the task? *Journal of Cultural Diversity*. 2006 Sep 1; 13 .(۳)
16. Memarian R, Salsali M, Vanaki Z, Ahmadi F, Hajizadeh E. Professional ethics as an important factor in clinical competency in nursing. *Nursing Ethics*. 2007 Mar; 14(2):203-14 .
17. Cowan DT, Wilson-Barnett J, and Norman IJ. A European survey of general nurses' self-assessment of competence. *Nurse Education Today*. 2007 Jul 1; 27(5):452-8.
18. Little CV. Technological competence as a fundamental structure of learning in critical care nursing: a phenomenological study. *Journal of Clinical Nursing*. 2000;9(3):391-9.
19. Little CV. Technological competence as a fundamental structure of learning in critical care nursing: a phenomenological study. *Journal of Clinical Nursing*. 2000 May; 9(3):391-9.
20. Parsh B. Characteristics of effective simulated clinical experience instructors: Interviews with undergraduate nursing students. *Journal of Nursing Education*. 2010 Oct 1; 49(10):569-72.
21. Spitzer A, Perrenoud B. Reforms in nursing education across Western Europe: from agenda to practice. *Journal of professional nursing*. 2006 May 1; 22(3):150-61.
22. HESHMATI, NABAVI F., and Z. Vanaki. "Effective clinical instructor: A qualitative study." (2009): 39-53 .
23. Chiang HH. Students' perceptions of effective and ineffective clinical instructors. *Journal of Nursing Education*. 2005 Apr 1; 44(4):187 .
24. Hadizadeh F, Firoozi M, Shamaeyan Razavi N. Nursing and midwifery student's perspective on clinical education in Gonabad University of Medical Sciences. *Iranian Journal of Medical Education*. 2005 Jun 15; 5(1):70-8.
25. Tavakoli ghouchani H KZ, Taefi Z, Hoseini S. Studying the view of nursing and midwifery students about effective instructor characteristics in North Khorasan Medical University 1387. *JNKUMS*. 2009; 1 (2 and 3) :65-70
26. Zolfaghari M, Bahramnezhad F, Asgari P, Shiri M. Challenge of clinical education for critical care nursing students: qualitative content analysis. *Journal of Clinical Nursing and Midwifery*. 2016; 4.
27. Gholami H, Ahmadi H, Chamanzari H , Taghi, Amendable barriers in Clinical education from

Viewpoints of students and clinical instructors at faculty of nursing and midwifery of Mashhad ,  
*Journal of Torbat Heydariyeh University of Medical Sciences*. 2015; 3(1): 29- 34.